

باسمه تعالی

موضوع: تعارض امارات / تعارض / تعادل و ترجیح

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در کلام شهید صدر در تعارض به تضاد بالعرض در مثل تعارض وجوب ظهر و جمعه بود که ایشان قائل به عدم تساقط شده بودند و بیاناتی برای توجیه آن فرمودند که بحث به محاوله ششم رسید که کلام مقرر ایشان در ادعای انحلال علم اجمالی به کذب دو مدلول از چهار مدلول، به سبب عدم حجیت دو مدلول التزامی بود، مطلب موهونی است که نسبت به آن به شهید صدر صحیح نیست و بعید است مراد شهید صدر چنین مطلب واضح البطلانی باشد؛ زیرا علم اجمالی به کذب یکی از مدالیل مطابقی و یکی از مدالیل التزامی وجود داشته پس با عدم حجیت دو مدلول التزامی، علم اجمالی مذکور منحل نمی شود و علم به کذب یکی از دو مدلول مطابقی باقی می ماند بنابر این انحلال به هیچ صورتی قابل تصور نیست.

همانطور که گذشت اگر علم به نجاست دو ظرف از چهار ظرف باشد و بین بر نجاست یکی از دو ظرف سمت راست اقامه شود علم اجمالی مذکور منحل به این دو ظرف سمت راست است؛ زیرا علم اجمالی قابل انطباق بر دو ظرف سمت راست است، اما در این مساله، علم اجمالی به کذب یکی مدلول مطابقی و یک مدلول التزامی قابل انطباق بر دو مدلول التزامی که از حجیت ساقط شده اند نیست پس انحلال در این مساله قابل تصور نیست.

اما ممکن است مراد شهید صدر از محاوله ششم این باشد که در موارد تعارض بالعرض، مانند تعارض وجوب ظهر و جمعه، تعارض بین مفاد دو خبر به جهت مدالیل التزامی آنها است و بدون ملاحظه مدلول التزامی، تعارضی به وجود نمی آمد؛ زیرا هر چند که علم به کذب مفاد مطابقی یکی از دو خبر وجود دارد؛ زیرا وجوب ظهر و وجوب جمعه با هم ممکن نیست ولی تعارض ناشی از مفاد این دو خبر نیست بلکه ناشی از حجیت آن است و از آنجا که معنای حجیت، ثبوت واقعی مفاد خبر نیست تا اینکه علم به کذب احدهما، مانع از حجیت آنها باشد، بلکه معنای حجیت، تعذیر و تنجیز در صورت مطابقت با واقع است، با علم اجمالی به کذب منافات ندارد و آنچه مانع حجیت است علم تفصیلی به کذب است زیرا در اینصورت احتمال اصابت به واقع وجود ندارد بر خلاف موارد علم اجمالی که احتمال اصابت به واقع وجود دارد و برای حجیت، احتمال اصابت به واقع کافی است.

همانطور که در موارد علم اجمالی به نجاست یک ظرف و طهارت ظرف دیگر، حکم به نجاست ظاهری هر دو ظرف می شود هر چند که علم به طهارت یکی از آنها وجود دارد ولذا علم به کذب حکم ظاهری به نجاست یکی از دو ظرف وجود دارد.

بنابر این اگر مدلول التزامی از حجیت ساقط شود معارضی برای حجیت مدلول مطابقی نبوده و لذا مدالیل مطابقی هر دو دلیل شامل اطلاق دلیل حجیت میشود و هر دو خبر حجت خواهد شد. البته اگر کاشفیت اماره لحاظ شود، حجیت اماره در موارد تعارض صحیح نمی باشد.

طبق این بیان، مدلول التزامی از حجیت ساقط است ولی نه به جهت معارضه داخلی که در محاوله چهارم بیان شد، بلکه به جهت اینکه یکی از دو مدلول التزامی موجب ترخیص در مخالفت با تکلیف بوده و حجت نیست و مدلول التزامی دیگر که عدم وجوب احدهما است نیز نه به جهت معارضه بلکه به جهت اینکه از خارج معلوم است و جعل حجیت برای آن _ به جهت یقین به واقع _ لغو است پس حجت نمی باشد. بنابر این هر دو مدلول التزامی خارج از اطلاق دلیل حجیت است (اگر حتی یکی از دو مدلول التزامی هم حجت باشد معارض مدلول مطابقی و موجب عدم حجیت آن می شود) مراد از انحلال در کلام شهید نیز همین معنا خواهد بود.

بنابر این بیان اشکالی که آقای حائری و مرحوم هاشمی به ایشان وارد نموده اند صحیح نیست.

اشکال آقای حائری به محاوله ششم^۱

آنچه در محاوله ششم ذکر شده در صورتی صحیح است که علم اجمالی به کذب علت تامه برای تنجز حکم باشد اما اگر تاثیر علم اجمالی اقتضایی باشد، این محاوله صحیح نیست؛ زیرا بنابر اینکه علم اجمالی به کذب، و ترخیص در مخالفت، علت سقوط از حجیت نباشد، منشا تساقط در مدلول التزامی فقط تعارض آن است که این تعارض بین مدلول التزامی و مطابقی نیز در عرض تعارض بین دو مدلول التزامی وجود دارد و لذا تقدیم تعارض در مدلول التزامی بر تعارض مدلول التزامی با مطابقی وجهی ندارد.

در این بیان تعارض دو مدلول التزامی علت سقوط مدالیل التزامی دانسته شده در حالیکه در بیان ما دلیل تساقط در مدلول التزامی، تعارض نمی باشد

مناقشه استاد در این اشکال

این اشکال را مرحوم شاهرودی هم در اضاء نیز افرموده اند ولی این اشکال صحیح نیست؛ زیرا سقوط حجیت دو مدلول التزامی به جهت تعارض نبوده تا اینکه ادعا شود تعارض هر مدلول التزامی با مدلول مطابقی دیگر به نحو تناقض، در عرض این تعارض است بلکه دلیل سقوط حجیت دو مدلول التزامی این است که یکی از آنها مخالف علم به تکلیف و موجب ترخیص در مخالفت با تکلیف معلوم است و نسبت به دیگری نیز به موجب علم خارجی، قطع و علم داریم بنابراین هیچ یک از مدالیل التزامی حجت نخواهند بود.

این بیان از سقوط مدلول التزامی در تقریرات مرحوم هاشمی ذکر شده و اینکه ایشان دلیل سقوط مدلول التزامی را تعارض دانسته اند با آنچه در تقریراتشان از مرحوم صدر ذکر نموده اند منافات دارد.